



تازه شو!

دکتر محمدعلی شامانی

اشاره

«خواب را نهیب بزن»، صفحه تازه‌ای نیست؛ کتابی است کهن که سال‌های سال پیش روی ما گشوده مانده؛ همان زمان که پیامبر مهر و دلدادگی، جان‌هایمان را به نوای توحید طراوات بخشید و امیر قافله ایمان، راه روشن آن را پیش روی ما ترسیم کرد؛ پس آن‌گاه آئینه‌داران تبار بندگی ایمان، ائمه طاهرین (س) ما را به سرچشمه آب‌های زلال فرا خواندند؛ چنان‌که هر گاه کسی پا به راه ایمان گذارد، به سرچشمه‌های آب‌های گوارا دست یافت.

«خواب را نهیب بزن» لب تر کردن از چشمه ناب اهل آسمان است.

کمی درنگ، اندکی تأمل، خبرها و تازه‌ها تو را تغییر نمی‌دهند. تغییر در گرو تازه شدن و تازه شدن در گرو خردمندی! این روزها، همه دنبال «تازه» ها می‌گردند. انگار در جست‌وجوی تازگی بودن، لذتی متفاوت دارد. این‌که این تازگی به چه کار می‌آید، چندان مهم نیست. همه می‌خواهند با در اختیار داشتن تازه‌ها، آینده را از آن خود کنند! می‌خواهند با «تازه» ها پادشاهی کنند. پادشاهان عرصه علم و فناوری (!) گمان می‌کنند که تغییر جهان در گرو دست‌یابی به تازه‌هاست. گفته‌اند که «آینده از آن اشخاصی از نوع دیگر و با ذهن‌های متفاوت است.» اما این اشخاص هرگز به این سؤال پاسخ نگفته‌اند که فرصت تغییر در عصری که «دانش» اساس و پایه آن را شکل داده است آیا فقط و فقط با انبوه تازه‌ها به دست می‌آید. ارزش انسان، این موجود شگفت‌انگیز، با سنجه ناب و بی‌بدیل «خرد» سنجیده می‌شود، پرسه زدن در تازه‌ها، خیال را مشوش می‌سازد، بی‌آن‌که درنگی خردمندانه ایجاد کند. چه آن‌که خردمند، بیهوده خواه نیست. آیا هر تازه‌ای شایستگی ورود به دنیای خیال ما را دارد؟ تازه‌های بی‌بنیاد بر خاطر آرام مردمان شیار می‌کشند و روح را مجروح می‌کنند. بی‌سامانی اندیشه، محصول بی‌خردی است.^۲

خردمندی پرسه زدن در پشت ویتترین‌ها، عبور کشار از خیابان‌های طویل و وبگردی‌های بی‌حساب و نوک‌زدن به اطلاعات و برچیدن دانه‌های تازه نیست.

«خردمندی جان مایه آدمی است.»

انسان به خرد و عقل خویش انسان است، نه اندک دارایی‌هایی که هر روز رنگ می‌بازد و زود کهنه می‌شود: «لانسان بعقله»^۳. خرد انسان است که راه و روش زندگی را به وی باز می‌نماید و او را از کورراه‌های زندگی عبور داده به بزرگ‌راه‌های روشن ایمان می‌رساند. اما تازه‌های پرتردید ما را از تأمل و شناخت باز خواهد داشت. امام علی (ع) فرو گذاشتن کارهای بیهوده را نشانه خردمندی می‌داند: «با فرو گذاشتن کارهای بیهوده، خردت کامل می‌گردد»^۴. تازه‌جویی آفت روزگار ما شده است. فزون خواهی در «تازه» ها، ما را سخت ناتوان خواهد کرد؛ خردمند آن است که به کاری خردمندانه دست زند. در روزگار ما ساعت‌ها و لحظه‌های گران قدر ما، در جست‌وجوی شنیدن و خواندن تازه‌هایی می‌گذرد که عمر آن‌ها کمتر از یک روز است اما جان را لگد کوب می‌کنند و روح را آزرده می‌سازند. خردمند در کمین لحظه‌هاست؛ با جاهلان نمی‌ستیزد، جاهلان را به همدی یا هم‌صحبتی بر نمی‌گزیند. بردبار است، هر گاه بخواهد سخن بگوید، پیش از آن خوب می‌اندیشد. به هنگام خاموش است و هر گاه فضیلتی دیده، آن را غنیمت می‌شمارد.^۵ و هر چیز را در جای خود به کار می‌گیرد.^۶ خردمند زمانه خویش را نیک می‌شناسد و در سر هیاهوهای تازه ندارد.

پی‌نوشت

۱. یک ذهن کاملاً جدید، ترجمه سیدرضا افتخاری، بامشاد، ص ۹
۲. غررالحکم، ج ۴، ۴۰۴، ۱۳۲۵ و ۲۷۲
۳. غررالحکم، ج ۱۴: «الحکم» ۲۱۸
۴. غررالحکم، ج ۱۷۱۷ و ۳۲۹۱.
۵. تحف‌العقول، ص ۲۸
۶. نهج‌البلاغه، حکمت ۶ و ۲۳۵

نماز و خانواده

مرکز و کانون نماز مسجد است و مناسب‌ترین محلی که یک نمازخوان را تربیت می‌کند، خانواده است. در قسمت‌هایی از قرآن کریم، موضوع نماز و خانواده مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این قسمت‌ها، سوره مبارکه مريم که وقتی از حضرت اسماعیل صادق الوعد یاد می‌کند، بیان می‌دارد «يَا مُرْءَاهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (مریم، ۵۵) یکی از روش‌های پیامبرانه آن بزرگوار، این بود که اهل خودش را به نماز فرا می‌خواند. هم‌چنان که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هم از جانب خداوند متعال مأموریت یافته بود که اهل خود را اول به صلاه دعوت کند. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه، ۱۳۲) خاندان خود را به نماز دعوت کن و نسبت به این هم شکیبیا باش. یعنی امر نماز یک دعوت مستمر است. در قسمتی از قرآن کریم نیز از لقمان حکیم به حکمت یاد می‌کند که خداوند متعال، لقمان را حکمت داده و یکی از کارهای حکیمانه لقمان که از نشانه‌های حکمت لقمان محسوب می‌شود، دعوت از فرزند خودش برای نماز است. «هم نماز را به‌پا دار و هم امر به معروف کن». پس معلوم می‌شود که نماز جایگاه ویژه‌ای در خانواده دارد و مخاطب پیامبر در موضوع نماز، می‌تواند خانواده خودش باشد؛ چرا که اگر پیغمبری، مأموریت یابد که خانواده خود را به نماز دعوت کند، امر گزافی نیست. یعنی هزینه کردن یک پیامبر برای دعوت به نماز داخل یک خانه کار مهمی است. اگر موضوع اجلاس هم «موضوع نماز و خانواده» باشد، درحقیقت یعنی یک امر پیامبرانه انجام می‌گیرد. برای این که نماز اولین ارتباط با خداوند متعال است. اساساً نگاه

// بهداشت و سلامت روان //



کلید واژه ها: نماز، خانواده، مسجد

اشاره

نوزدهمین اجلاس سراسری نماز با عنوان «نماز، خانواده و مسجد» سال گذشته در استان خراسان جنوبی در شهر بیرجند برگزار شد. آقای دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی یکی از سخنرانان این اجلاس بودند. به دلیل اهمیت مسئله نماز به عنوان فریضه مهم، انسان‌ساز و تربیت‌کننده، بخشی از سخنان ایشان را در پی می‌آوریم.

نماز، نی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان



من با استفاده و برگرفته از قرآن کریم، این است که نماز معنای حیات انسانی است. حیات نباتی و حیات حیوانی را همه دارند اما اگر انسان بخواهد زندگی انسانی داشته باشد و زندگی او با زندگی موجودات دیگر متفاوت شود، این تفاوت در نماز است. چرا که نفس کشیدن، خوردن، تولد و کار کردن را با حیوانات دیگر مشترک هستیم. آن که مزیت انسان است، عبادت و بندگی است. حتی علم هم مزیت انسان نیست. چون برخی از حیوانات هم علم یاد می‌گیرند و تعلیم می‌بینند. آن چه به حیات انسان معنا می‌بخشد، بندگی است که تجلی آن در نماز است. و لذا وقتی پیامبران، این معنا را در خودشان متجلی می‌کنند، می‌خواهند بگویند که پیام معنوی نماز، بسیار مهم است. حضرت عیسی مسیح (ع) عرضه می‌دارد، «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم، ۳۱) خدا مرا به نماز سفارش کرده تا زمانی که زنده‌ام. همین سنت حسنه اسلامی است که از تولد تا دم مرگ با ما خواهد بود و لذا فرزند مسلمان که متولد می‌شود، بر گوش راست او اذان می‌گویند. اولین واژه اذان، نام مقدس الله است: الله اکبر؛ و در گوش چپ او اقامه می‌گویند. الله اکبر اولین چیزی است که باید این گوش را بنوازد. اولین طینی که بر این گوش باید بیفتد، نام مقدس الله است. وقتی مسلمان در حال احتضار است و رو به قبله خوابیده، می‌گویند بر او کلمه توحید را تلقین و بیان کنید. «لا اله الا الله» آخرین کلمه‌ای است که از این زبان باید بیرون بیاید و نام مقدس الله است. زندگی با شنیدن و گفتن الله آغاز می‌شود و پایان می‌پذیرد. اگر زندگی بین این گفتن و شنیدن معنا پیدا کند، زندگی انسانی و الهی خواهد شد. یعنی آن معرفت حاصل می‌شود که «ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (ذاریات، ۵۶). اگر این باشد، حیات انسانی است. و انسان این امور را در خانه یاد می‌گیرد. چرا که خانه اولین معبد است. اولین مدرسه و جایی است که انسان، بندگی را می‌آموزد. یکی از مواردی که بر آیه شریفه «واجعلوا بيوتكم قبلة...» معنا پیدا می‌کند، این است که بعضی‌ها گفته‌اند قبله به معنای مقابل است. یعنی خانه شما محل عبادت باشد. در آموزه‌های اسلامی توصیه شده که مصلائی در داخل خانه خودتان داشته باشید. یعنی محل سجاده شما در خانه‌تان معلوم باشد. یعنی این خانه باید محل مصلی و نماز داشته باشد. خانه مسلمان از خانه غیر مسلمان با همین مصلی شناخته می‌شود. باید ترتیب خانه را به گونه‌ای ایجاد کنیم که اقامه کننده نماز تربیت شود. لذا باید راه کارهای این کار و موانع آن بررسی گردد. صاحب نظران باید بگویند که ما چگونه خانه‌هایمان را نمازی کنیم. به تعبیر دیگر، چگونه مساجد را داخل خانه‌هایمان بیاوریم که مکان زندگی ما نوعی مسجد باشد؟ یعنی، امتداد خانه‌های ما مسجد باشد. خانه مسجدی بنا و خانواده مسجدی تربیت کنیم. اعضای خانواده، از خانه به مسجد بروند و از مسجد هم به خانه برگردند؛ خانه محل عبادت و نوعی مسجد باشد. پیوند خانه و مسجد چگونه اتفاق بیفتد؟ امام جماعت مسجد، چگونه در خانه نفوذ معنوی داشته باشد و خانه‌ها چگونه با مساجد مرتبط شوند.

باید مراقبت‌ها اتفاق بیفتد. مثلاً مربی بهداشت ما مسواک‌زدن فرزندان مان را زیر نظر بگیرد. ناخن و موی سرشان را کنترل کند. البته این در مورد بهداشت بدن است. چنین مراقبتی برای بهداشت روان هم باید باشد. رفتارهای خوب باید نهادینه شود. خانه، مدرسه، محیط اجتماعی، مراکز مذهبی و مراکز تبلیغی هم باید کار همدیگر را تکمیل کنند و پشتیبان هم باشند. یکی از جملات خیلی فاخر و پرمغزی که مقام معظم رهبری در باب نماز دارند این است که فرمودند: «ثمره حکومت صالحان بر پایه نماز است.»

از، تربیت